آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۰۲۲
شنبه
۱۴۰۰•۰۳•۰۸
۱۷ شوال ۱۴۴۲/ ۲۹ می ۲۰۲۱

گـــــزارش

گزارش «آرمان ملی» از احتمال کناره‌گیری برخی کاندیداها در جریان انتخابات:

همه شرایط به نفع رئیسی است

امیررضا واعظ آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: فینال انتخابات اصولگرایان با رئیسی و رضایی خواهد بود

آرمان ملی- در حالی که تنها دو نفر از چهره‌های اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا توانسته‌اند مجوز احراز صلاحیت شورای نگهبان را دریافت کنند و برای کاندیداتوری در انتخابات حاضر شوند اما در اردوگاه اصولگرایان وضعیت به شکلی دیگر است. اصولگرایان که نگرانی‌ای بابت نهاد نظارت نداشته‌اند، این دوره با کاندیدای پوششی به صحنه انتخابات آمده‌اند. اما مساله‌ای که در روز آخر ثبت‌نام داوطلبان ریاست‌جمهوری به چشم آمده، حضور بسیاری از چهره‌های اصولگرایی بوده که تا پیش از این بیان می‌کردند که در صورت کاندیداتوری رئیسی، نامزد نمی‌شوند، از جمله سعید جلیلی که تا زمان ثبت‌نام داوطلبان ریاست‌جمهوری، در جلسه‌ای که با برخی افراد ستادی خود داشت، گفته بود تنها در صورتی که رئیسی در انتخابات ثبت‌نام نکند، کاندیدا خواهد شد، اما در روز آخر ثبت‌نام داوطلبان ریاست‌جمهوری، شاهد ثبت‌نام ابراهیم رئیسی و سعید جلیلی بودیم. بنابراین ثبت‌نام سعیدجلیلی این گمانه‌زنی‌ها را تا حدی تقویت کرد که او به عنوان کاندیدای پوششی رئیسی پا به عرصه انتخابات گذاشته است. چنانکه وی در زمان ثبت‌نامش در پاسخ به پرسشی مبنی‌بر اینکه که گفته می‌شود کاندیدای پوششی ابراهیم رئیسی است و در ازای معاون‌اولی کنار خواهد کشید، پاسخی مبهم داد و گفت: «عرصه انتخابات عرصه حضور نامزدها برای ارائه برنامه‌هایشان و جلب اعتماد مردم است.» هر چند روز چهارشنبه یک کانال تلگرامی و سایت خبری از احتمال انصراف سیدابراهیم رئیسی به نفع سعید جلیلی خبر داده بود، اما یک منبع آگاه نزدیک به ستاد مرکزی رئیسی این شایعه را رد کرد. با این حال آنچه به نظر می‌رسد اینکه دست‌کم در میان کاندیداهای اصولگرا شاهد انصراف تعدادی از آنها به نفع آیت‌ا... رئیسی باشیم. هر چند به نظر می‌رسد محسن رضایی با توجه به توئیتی که نوشت قصد جدی برای ماندن تا انتهای ماراتن انتخابات را دارد. او در صفحه خود در توئیتر نوشت: «با صراحت و محکم می‌گویم که آمده‌ام تا به وضع بی‌سامان موجود، خاتمه بدهم. کسی که با برنامه وارد رقابت می‌شود، عرصه را ترک نمی‌کند.» با این حال شرایط درخصوص نامزدهای دیگری اینگونه نیست؛ چرا که از آنجایی که امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی و علیرضا زاکانی تجربه چندانی برای تصدی مدیریت اجرائی کشور ندارند و مهمتر از آن اساسا از پایگاه رایی در جامعه برخوردار نیستند و خودشان هم می‌دانند که رای چندانی نخواهند آورد؛ لذا صرفا در مناظرات انتخاباتی حضور خواهند داشت تا به‌نحوی هم ضربه‌گیر رئیسی باشند و هم بتوانند نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح کنند تا بیشتر دیده و شناخته شوند. در نتیجه قاعده بر این امر خواهد بود که همه برای پیروزی یک نفر تلاش کنند؛ همانطور که پیش از آن نیز در اظهارنظرهای مختلف در عیان و نهان از رئیسی حمایت کرده‌اند.

رقابت نه‌چندان جدی

انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ چندان رقابتی نخواهد بود. این گزاره مورد تایید بسیاری از فعالان سیاسی است که همواره مناظرات انتخاتی را چالشی، پرحرارت و داغ دنبال می‌کردند اما با ردصلاحیت چهره‌هایی مثل اسحاق جهانگیری، مسعود پزشکیان و علی لاریجانی به نظر می‌رسد که اکثر قریب به اتفاق کاندیداها در طول یکدیگر و در راستای یک هدف کار کنند. قدرمسلم برای اینکه به لحاظ شکلی شرایط انتخاباتی حفظ شود شاهد برخی رقابت‌ها میان چهره‌هایی مثل رئیسی و جلیلی با همتی، مهرعلیزاده و شاید محسن رضایی باشیم. اما از آنجایی که ۵ نفر از ۷ کاندیدا گرایشات یکسانی دارند و اساسا از یک طیف فکری هستند نباید منتظر مناظرات پرشور و چالشی باشیم. احتمالا برنده این انتخابات همان‌طور که قاطبه تحلیلگران پیش‌تر از اینها مطرح کرده بودند سیدابراهیم رئیسی است. لذا اگر هم شاهد رقابتی میان چهره‌های حاضر در مناظرات باشیم این رقابت‌ها چندان تاثیری بر اصل موضوع یعنی انتخاب رئیسی نخواهد داشت. حسین ا...کرم، فعال سیاسی اصولگرا می‌گوید: «گرچه تصور می‌شود آقایان رضایی و جلیلی در طول آقای رئیسی عمل کنند اما راهبرد جریان غرب‌گرا برای شکستن آرای آیت‌ا... رئیسی و راهبرد افزایش مشارکت از طریق رقابت برنامه‌محور جریان انقلابی، موجب رقابتی سه‌ضلعی بین جلیلی، رئیسی و رضایی خواهد شد.» البته اگر مهرعلیزاده یا همتی به نحوی ظاهر شوند که بتوانند نوعی دوقطبی را در انتخابات شکل دهند و جریانات سیاسی و جامعه را به این اقناع برسانند که از آنها حمایت کرده و به آنها رای دهند؛ در غیر این صورت به نظر می‌رسد از آغاز، پایان انتخابات و پیروز آن مشخص است.

محسن رضایی تا آخر می‌ماند

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص احتمال کناره‌گیری برخی کاندیداها در جریان انتخابات به نفع دیگری اظهار داشت: من احتمال می‌دهم که آقای رضایی تا آخر انتخابات و رای‌گیری بماند، شاید هم ایشان تصمیم خاصی بگیرند؛ اما تحلیل من این است که اگر قرار باشد در خانواده اصولگرایی فرد یا افرادی به نفع آقای رئیسی کناره‌گیری کنند، شامل آقای رضایی نمی‌شود و فینال انتخابات اصولگرایان با رئیسی و رضایی خواهد بود. امیررضا واعظی آشتیانی به «آرمان ملی» گفت: وقتی انتخابات گذشته را بررسی می‌کنید برخی کاندیداها که اصولا قرابت فکری و جناحی داشته‌اند به نفع یک کاندیدای اصلح کنار رفته‌اند. این اتفاق به باور من، خود یک خردمندی است؛ چراکه مانع خرد شدن رای خواهد شد و نکته مهم‌تر آنکه انسجام و وحدتی که باید در یک گروه سیاسی ایجاد شود را محقق می‌کند و یکپارچگی رای را رقم می‌زند. از این رو هر اتفاقی محتمل است. همانطور که ممکن است آقایان همتی یا مهرعلیزاده به نفع هم کنار بکشند. لذا این موضوع دور از ذهن نیست.

روایت «جهانگیری» از ردصلاحیت‌های این دوره و دوره‌های قبل:

ناگفته‌هایم می‌ماند برای بعد

- تشابه ردصلاحیت آیت‌ا... هاشمی و جهانگیری
- جهانگیری: من خوشحالم، البته ردصلاحیت‌ها برای نظام گران تمام خواهد شد
- می‌خواستم بانیان وضع موجود را معرفی کنم
- بار بزرگی از دوشم برداشته شد

آرمان ملی- حمید شجاعی: سال ۹۲ که در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در تصمیمی عجیب، مبهم و بحث‌برانگیز مرحوم آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی ردصلاحیت شد؛ همه در عین تعجب بر این باور بودند که شاید برمبنای مسائل و مصالحی این اتفاق رخ داده است. اما هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد که این رویکرد در مقاطع بعدی انتخاباتی هم رخ دهد و به یک روند ثابت در برخورد با برخی کاندیداها تبدیل شود. اما عدم‌احراز صلاحیت اسحاق جهانگیری و علی لاریجانی نشان داد این رویکرد همچنان ادامه دارد و در هر مقطعی نسبت به برخی چهره‌ها کار می‌کند. طبیعی است که مشابهتی میان ردصلاحیت آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی در سال ۹۲ و جهانگیری در سال ۱۴۰۰ متصور باشیم. انگار تاثیر چهره‌های سیاسی برتر و نام‌آور کرمانی در جامعه باعث شده مخالفان حضور آنها را برنتابند و به روش‌های مختلف آنها را از حضور در عرصه بازدارند. این در حالی است که جهانگیری در این خصوص می‌گوید: «من شخصا از این تصمیم خوشحال هستم ولی حتما برای کشور این ردصلاحیت‌ها گران تمام خواهد شد.»

مشارکت حداقلی- کاندیدای مطمئن

شاید بدبین‌ترین حامیان و هواداران اصلاح‌طلبان یا اعتدالیون نیز تصور نمی‌کردند که شرایط حاکم بر انتخابات ریاست‌جمهوری به نحوی پیش برود که شاهد حداقلی‌ترین وضع ممکن در خصوص کاندیداهای حاضر در دور نهایی رقابت‌های انتخاباتی و مناظرات باشیم. واقعیت این است که شورای نگهبان در انتخابات مجلس یازدهم در دوم اسفند ۹۸ به یک مدل مطلوب دست یافت که طی آن دوگانه مشارکت بالا و کاندیدای رای‌آور را به مشارکت کنترل‌شده و کاندیدای مطمئن تغییر داد. در این راستا اگر نگاهی به روندهای اخیر انتخاباتی بیندازیم به وضوح شاهد تغییرات رویکردی در برخی انتخابات‌ها هستیم. شاهد مثال عینی این موضوع را نیز می‌توان در مقایسه میان انتخابات مجلس دهم در سال ۹۴ و انتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ دید؛ جایی که در اسفند ۹۴ مشارکت حداکثری و بالای مردم باعث آرای میلیونی کاندیداهای اصلاح‌طلب شد و کاندیداهای جریان رقیب با آرای حداقلی از حضور در بهارستان بازماندند. اما در اسفند ۹۸ با وجود نارضایتی‌های اجتماعی و صدالبته ردصلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان مشارکت به پایین‌ترین حد خود رسید و کاندیداهای جریان رقیب نیز با آرای حداقلی به کرسی‌های مجلس رسیدند. لذا انتخابات ریاست‌جمهوری نیز از همین رویه و قاعده پیروی می‌کند. در انتخابات سال ۹۶ موج انتخاباتی و مشارکت بالای مردم باعث شد رئیس‌جمهور منتخب با رای ۲۴ میلیونی وارد پاستور شود و کاندیدای جریان رقیب با رایی به مراتب کمتر راهی به نهاد ریاست‌جمهوری نیابد. اما در انتخابات ۱۴۰۰ باز هم همان رویه و شیوه ۹۸ پیش گرفته شد و با کنار گذاشتن کاندیداهای تمام جریان‌های سیاسی جز یک جریان و همچنین به قول برخی فعالان سیاسی با کنار گذاشتن مردم شرایط برای رای‌آوردن کاندیدا یا کاندیداهای موردنظر یک جریان فراهم شد. لذا ردصلاحیت چهره‌هایی چون اسحاق جهانگیری، علی لاریجانی، مسعود پزشکیان و... را می‌توان در چارچوب همین بحث تحلیل کرد. هر چند بسیاری بر این باورند که پیروز واقعی این انتخابات جهانگیری و لاریجانی‌اند و جامعه نیز تحلیل مشخصی از این شرایط خواهد داشت و همچنان مشارکت جدی مردم در انتخابات در هاله‌ای از ابهام خواهد بود.

می‌دانستم همه‌چیز مهیا نیست

پس از سیدحسن خمینی و محمدجواد ظریف که به انحای گوناگون از انتخابات کنار رفتند، چشم امید اصلاح‌طلبان به عنوان کاندیدای درجه یک به اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور بود که اجماع اصلاح‌طلبان را نیز پشت‌سر خود داشت. جهانگیری نیز عزم آن را داشت که در انتخابات و مناظره‌ها حاضر شود و از ناگفته‌ها با مردم سخن بگوید؛ اما گویا برخی از حضور جهانگیری در انتخابات واهمه داشتند. هر چند در نمونه مشابه اگر به انتخابات سال ۹۲ نیز بازگردیم می‌بینیم چنین رفتاری نیز با مرحوم آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی صورت گرفته و ایشان که استوانه نظام و انقلاب بودند، در عین ناباوری ردصلاحیت شدند. اسحاق جهانگیری نیز شامگاه چهارشنبه در جمع روسای ستادهای انتخاباتی خود با اشاره به این موضوع اظهار داشت: «این روز برای من یادآور آخرین روز ثبت‌نام داوطلبین ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ است که مرحوم آیت‌ا... هاشمی در لحظات آخر ثبت‌نام کردند. فردای همان روز آقای هاشمی طی حکمی من را به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی خود منصوب کرد. قرار بود همزمان با شروع فعالیت‌های تبلیغاتی، جلسه‌ای با آقای هاشمی داشته باشیم و سپس فعالیت را شروع کنیم که همان شب خبر ردصلاحیت آقای هاشمی آمد و فردای آن روز خدمت آقای هاشمی رسیدیم. آقای هاشمی به من گفت که «من همان هاشمی قبل از ردصلاحیت هستم و تصور نکنید که با ردصلاحیت، تغییری در ارتباط من با جمهوری اسلامی ایجاد می‌شود». جهانگیری بیان کرد: وقتی در این مسیر ورود پیدا کردم می‌دانستم که در این انتخابات همه‌چیز مهیا نیست؛ بلکه انتخاباتی سخت است که باید همه‌چیز را برای آن مهیا کرد؛ باید به افراد انگیزه داد و نیروهایی که با صندوق رأی قهر هستند را آشتی داد و باید تلاش کرد کسانی را که فکر می‌کنند رأی‌شان کمتر اثر دارد، قانع کرد که رأی آنها اثربخش است. باید جمهوریت نظام و از رای و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات دفاع کنیم. علاوه بر اینها می‌دانستیم که مردم شرایط ویژه‌ای دارند. مسائلی وجود دارد که معیشت مردم را به خطر انداخته است و من علاقه داشتم از این منظر وارد شوم.»

خودم را صاحب‌صلاحیت‌تر از بقیه می‌دانم

بسیاری دولت و مسئولان دولتی را مسبب وضع موجود و شرایط پیش آمده در جامعه قلمداد کرده و می‌کنند؛ جریانات مخالف و دلواپسان نیز با دستاویز قرار دادن این امر دولت را مورد حمله و هجمه قرار داده و می‌دهند. جهانگیری در این خصوص بیان کرد: به این دلیل به صحنه آمدیم که از البته گاهی برخی دوستان می‌گفتند شرکای وضع موجود باید پاسخگو باشند و من اتفاقا می‌خواستم به همین دلیل بیایم که بگویم بانیان وضع موجود چه کسانی هستند و چه کسانی این وضعیت را برای مردم درست کرده‌اند که امروز زندگی و معیشت مردم در شرایط سختی قرار گرفته است». وی با اشاره به ردصلاحیت خود از سوی شورای نگهبان اظهار کرد: «با این اتفاق تکلیف از دوش من برداشته شد و احساس آرامش جدی بعد از اعلام‌نظر شورای نگهبان کردم و شبی که نظر شورای نگهبان به من اعلام شد، در منزل ما بعد از گذشت ۱۰ روز از ثبت‌نام، شب جشن بود؛ زیرا همه احساس کردند که بار بزرگی از دوشم برداشته شده و البته برای روسا و اعضای ستاد انتخاباتی نیز کار آسان شد؛ زیرا در ایام پیش‌رو وظایف سنگینی بر عهده آنها قرار می‌گرفت.» جهانگیری اظهار کرد: «بعدازظهر دوشنبه یکی از مقامات امنیتی با حضور در دفترم اطلاع داد که چنین تصمیمی گرفته شده و من با کمال آرامش به او گفتم که من شخصا از این تصمیم خوشحال هستم، ولی حتما برای کشور این ردصلاحیت‌ها گران تمام خواهد شد. جهانگیری تصریح کرد: وقتی در میان همه کاندیداها به سابقه خودم مراجعه می‌کنم از هر منظر خودم را صاحب‌صلاحیت‌تر از بقیه می‌دانم.

هجمه به لاریجانی و مماشات با زاکانی پروژه انتخاباتی است

دختران خارج نشین باهم فرق دارند

دختر زاکانی هم سوئیس بوده؟

آرمان ملی- مطهره شفیعی: باز هم یک بام و دو هوا! این بار فرزندان سوژه انتخابات هستند؛ فرزندانی که در خارج کشور هستند اما نحوه مواجهه با پدران آنان که کاندیدای ریاست‌جمهوری بودند، متفاوت است. چشم بر حضور و حتی تولد نوه یک کاندیدا در خارج کشور بسته می‌شود و حضور دختر کاندیدای دیگر اتهام بزرگی محسوب و برخی دلیل ردصلاحیت پدرش را همین اقامت دختر در خارج کشور می‌دانند. دختران علی لاریجانی و علیرضا زاکانی سوژه این روزهای سیاست و انتخابات است. نکته قابل توجه آنکه پس از هجمه به لاریجانی به سبب حضور دخترش در آمریکا یک حقوقدان شورای نگهبان اعلام کرد: «هیچ داوطلبی صرفا به دلیل اقامت بستگان در خارج از کشور ردصلاحیت نشده». همین موضوع مشخص کرد که پروژه تخریب علی لاریجانی از مدت‌ها قبل از سوی مطرح‌کنندگان حضور دختر لاریجانی در خارج کشور کلید خورده بود. نخستین‌بار خبرگزاری فارس بود که نوشت: «یکی از دلایل تاخیر در بررسی صلاحیت نامزدها، بحث و بررسی وضعیت اقامت فرزند یکی از کاندیداهای مشهور در آمریکا از نظر اقامت و تابعیت است و مساله مورد بحث دیگر مربوط به احراز سلامت جسمی یک کاندیدای باسابقه است.»

دختر لاریجانی در آمریکا، مخالفان پدر در ایران

با اعلام خبر ردصلاحیت لاریجانی گمانه‌های زیادی از جمله اقامت دختر او در خارج کشور مطرح و برخی این موضوع را دلیل عدم‌تایید لاریجانی عنوان کرده‌اند. رسانه‌های دلواپسان اصولگرا به علی لاریجانی هجمه برده‌اند و اقامت دخترش در کشور دیگر را سوژه تخریب قرار داده‌اند. در ابتدا حسین مطهری درباره حضور دختر علی لاریجانی در آمریکا نوشت: «دختر عمه بنده خانم دکتر فاطمه لاریجانی فارغ‌التحصیل پزشکی دانشگاه تهران برای دوره تخصص همراه با همسرش به آمریکا رفته؛ و نه تابعیت دارد نه اقامت. برای یک انتخابات، دین و شرافت خودمون و نفروشیم.» پس از آن محمد مطهری در یادداشتی در کانال تلگرامی خود نوشت: «در این بازار داغ تهمت و شایعه‌سازی، جهت تنویر افکار عمومی با اطلاع دقیق عرض می‌کنم که ویزای خواهرزاده‌ام خانم فاطمه لاریجانی در آمریکا ویزای کار از نوع H1b است و امور دیگر مثل تابعیت و پاسپورت آمریکایی از جعلیات است. طبعا این امر ظرف چند دقیقه با ارسال تصویر ویزا قابل راستی‌آزمایی است، زیرا کسی که ویزای یک کشوری را دارد قطعا تابعیت و پاسپورت آن کشور را نمی‌تواند داشته باشد. او که به تقدیر الهی دوران دانشجویی‌اش مقارن با یک سال شیمی‌درمانی برای سرطان خون از نوع لنفوم بود، پس از پایان دوره دکتری، همراه با همسرش که عازم آمریکا بود، همراه شد و پس از پایان تحصیل به ایران بازخواهد گشت. برخلاف شایعات، او در یک آپارتمان ۴۰ متری زندگی می‌کند و نیز عکس منتشر شده از دست دادن با نامحرم هم متعلق به فاطمه لاریجانی نیست. شایعات دیگر درباره خواهر و دو برادر فاطمه هم دقیقا منشأ آن یا بی‌اطلاعی است یا بی‌تقوایی که در صورت لزوم توضیح خواهم داد. به قول شهید مطهری، «به نفع دین تهمت زدن، به نفع دین بی‌دینی کردن است. دین اجازه نمی‌دهد ولو به نفع خودش بی‌دینی کنیم. جیفه ریاست دنیایی که جای خود دارد.» در نهایت علی مطهری در توئیتی در واکنش به ردصلاحیت علی لاریجانی در انتخابات نوشت: «از ردصلاحیت خودم با وجود آنکه می‌دانم دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد می‌گذرم، اما از رد صلاحیت آقای لاریجانی که همیشه گوش به فرمان نظام بوده و تجربه گرانسنگی برای امروز جامعه ما داشت در حیرتم! استناد به مصوبه شورای عالی امنیت ملی درباره اقامت یا تحصیل اقوام درجه یک مقامات عالی در کشورهای دیگر، پذیرفته نیست زیرا این شورا حق قانونگذاری ندارد. قانونگذار فقط مجلس است.»

سکوت درباره خارج‌نشینی دختر زاکانی!

زمان زیادی نگذشت که مشخص شد دختر یکی از کاندیداهای تاییدشده هم ساکن خارج کشور و حتی فرزندش در همان کشور متولد شده است؛ اما این بار دلواپسان اصولگرا خودشان را به ندانستن زدند و سکوت کردند. دختر علیرضا زاکانی در سوئیس است و گویی شرایط او با دختر لاریجانی فرق دارد! بخش عمده آنانی که به لاریجانی به سبب حضور دخترش در خارج کشور هجمه بردند، از حامیان دلواپسانی مانند زاکانی هستند و شاید به همین دلیل بوده که این کاندیدای ریاست‌جمهوری ترجیح داده پیش از طرح سوالی درباره این موضوع به انتشار بیانیه‌ای بپردازد که در آن آمده است: «بر این اساس ادعا شده که دختر علیرضا زاکانی دوتابعیتی بوده و در کشور سوئیس ساکن است. اما واقعیت این است که شایعه دوتابعیتی‌بودن و سکونت دائم در سوئیس صحت نداشته و وی حدود یک‌سالی است که پس از اتمام تحصیل به کشور بازگشته است. لازم به‌ذکر است که وی هیچ‌گونه بورسیه تحصیلی از داخل و خارج ایران دریافت نکرده و هیچ تعهدی نسبت به دانشگاه و کشور محل تحصیل ندارد. در خصوص تولد نوه علیرضا زاکانی در سوئیس نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد زمان به دنیا آمدن وی، همزمان با پایان ترم دوم تحصیل دخترشان بوده و چون تاریخ تولد نوه ایشان تنها دو روز با امتحان آخرشان فاصله داشته، عملا امکان تولد کودک در ایران وجود نداشته است. البته ناگفته نماند نه‌تنها قانون تابعیت بر اساس تولد در خاک کشور سوئیس وجود ندارد و متولدین در این کشور تابعیت این کشور را نخواهند داشت؛ بلکه هیچ امکان دیگری را برای اقامت بلند مدت نیز همراه ندارد.»

آقازاده‌های اصولگرا در خارج مرزها!

فرزندان بسیاری از مسئولان در خارج کشور هستند و نکته قابل‌تامل آنجاست که بیشتر آنها از جریان اصولگرایی هستند که شعارهای ضدآمریکایی و عدم‌سازش با غرب سر می‌دهند. دو دختر حدادعادل مدتی در آمریکا بودند و او درباره یکی از دخترانش می‌گوید: «شوهرش در یک خانواده شهیدپرور در آمریکا متولد شده است». یا ماجرای دختر محمدعلی کی‌نژاد عضو ارشد شورای انقلاب فرهنگی از یک تصویر کریسمسی شروع شد. فرارو نوشت: «تصویری که خود سلوی خانم منتشر کرده بود و در آن به همراه همسر و دخترش لباس کریسمس پوشیده بودند.» سیدمهدی صدرالساداتی روحانی مشهور اصولگرا در فضای مجازی این عکس را منتشر کرد و نوشت: «انقلاب فرهنگی از این بالاتر که فرزند عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در آمریکا تابعیت بگیرد و از آنجا برای ایرانیان سبک زندگی تدریس بکند؟» دی ماه سال گذشته هم آفتاب‌نیوز از حضور پسر ولایتی در همایشی خبر داد که نام همایش برگرفته از فیلمی ساخته «مارتین اسکورسیزی» است که روایتگر زندگی فردی به نام «جردن بلفورت» است که با دوز و کلک و فروختن اموال به‌دردنخور در بورس به ثروت کلانی دست می‌یابد و ثروتش را صرف مصرف کوکائین و مشروب و دختربازی و... می‌کند. جالب آنکه فرزندان ولایتی در این همایش در کنار جردن بلفورت نشسته بودند تا بیشتر با دیدگاه‌های او آشنا شوند!.» سایت‌های خبری در شهریور ۹۸ نوشتند: «هر ۶ فرزند شهردار قم برای زندگی و تحصیل در آمریکا به سر می‌برند.» پسر محسن رضایی هم به آمریکا رفته بود که در آنجا کشته شد. گفته می‌شود یاسین رامین هم در آلمان حضور داشته و به نوشته قدس، رسانه‌ها او را به دوتابعیتی بودن هم متهم کرده‌اند؛ اتهامی که پس از سفر مهناز افشار به آلمان برای به دنیا آوردن فرزندش و گرفتن تابعیت این کشور، پررنگ‌تر هم شد. این اتهام اما هیچ‌وقت از سمت یاسین رامین یا همسرش تکذیب نشد.

نمی‌توانیم نامزد قرض کنیم

سخنگوی جبهه اصلاحات ایران اظهار داشت: ما با همه تلاش‌مان برای تحقق مشارکت حداکثری در این انتخابات آمده‌ایم؛ طیف کاندیداهای ما هم به‌گونه‌ای بوده که حداکثر انعطاف در مورد اینکه اصلاح‌طلبان در انتخابات مشارکت جدی داشته باشند، وجود داشته و ۹ نفر کاندیدایی که از ۱۴ باقی مانده‌اند، ثبت‌نام کرده‌اند. طبیعی است که زمانی که یک جریان سیاسی در قالب یک جبهه سیاسی در انتخابات حضور پیدا می‌کند و به این جمع‌بندی می‌رسد و در نهایت با دست‌خالی مواجه می‌شود، عملاً امکانی برای مشارکت فعال آن در انتخابات باقی نمی‌ماند و وقتی نامزدی نداشته باشد، نمی‌تواند نامزد قرض کند. آذر منصوری گفت: طبیعی است که در یک روند کاملا تعریف‌شده موضع ما این است که امکان معرفی نامزد از جانب جبهه اصلاحات ایران سلب شده است.

نباید از مهرعلیزاده و همتی بخواهیم انصراف دهند

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در تحلیل رفتار متناقض شورای نگهبان در احراز صلاحیت افراد به نحوی که یک فرد را برای مجلس رد و برای ریاست‌جمهوری تایید می‌کند یا برعکس، گفت: شورای نگهبان جمعی از افراد متعلق به یک جریان سیاسی هستند؛ اینکه تصور کنید در شورای نگهبان ملاک‌هایی وجود دارد که بر اساس این ملاک‌ها افراد تایید یا رد شوند، اشتباه است و انتظار داشتن ملاک مشخص از این افراد که معتقد به نظارت استصوابی هستند، انتظار به‌جایی نیست. علی تاجرنیا اظهار داشت: لذا بنده به عنوان یک فعال سیاسی انتظاری جز این از شورای نگهبان نداشتم و فکر می‌کنم کسانی که کنار رفتند و گفتند اعتراض نداریم، اعتراض نداشتن‌شان به معنی پذیرش نظر آنها نیست؛ بلکه به منزله این است که هیچ انتظاری از شورای نگهبان با این دیدگاه نمی‌رفت.

اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در انتخابات نماینده دارند

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره آرایش این دوره از انتخابات اظهار داشت: مجموعا دو طیف جریان سیاسی اصلی کشور در این رقابت نماینده دارند و افراد مختلفی که در حوزه‌های گوناگون نظیر سیاست خارجی و اقتصاد تخصص دارند در این رقابت حضور داشته و این نشان می‌دهد تفاوت گفتمان‌ها در این انتخابات مشهود است. باشگاه خبرنگاران نوشت، حمیدرضا ترقی درباره احتمال کنار رفتن آیت‌ا... رئیسی به نفع سعید جلیلی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو گفت: اینها شایعاتی هستند که طرفداران سایر جریانات سیاسی نقل می‌کنند و واقعیت ندارد. وی افزود: صحبت‌هایی که افکار عمومی جامعه را منحرف می‌کنند و درصدد القای این موضوع هستند که مشارکت را به موضوع ورود نامزدها مرتبط نشان دهند با واقعیات موجود در جامعه مغایر است؛ بخش زیادی از مشارکت به موضوع رضایت مردم نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه بازمی‌گردد.

گفت‌و‌گـــو

سیدمصطفی هاشمی‌طبا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قرار نیست با انتخاباتی چالشی روبه‌رو باشیم

مذاکره‌کننده که نمی‌تواند رئیس‌جمهور باشد

آرمان ملی- سهیل ثابت: هر چند که چند روز از اعلام تاییدصلاحیت‌شدگان و راه‌یافتگان به رقابت‌های انتخاباتی می‌گذرد اما هنوز هم در فضای جامعه، رسانه‌های رسمی و به‌خصوص فضای مجازی تبعات این نحوه تصمیم‌گیری در تایید برخی چهره‌ها و مهمتر از آن ردصلاحیت برخی چهره‌ها به وضوح نمایان است. به قرائت عده‌ای از چهره‌های سیاسی، برخی با پدیده انتخابات و کاندیداها با توجه به شرایط و زمانه کمتر در خصوص علل و دلایل ردصلاحیت افراد توضیح می‌دهند. همین امر باعث شده برخی این موضوع را مطرح کنند که باید در روند جاری تغییراتی ایجاد شود و به عبارت دیگر در نوع رویکرد به انتخابات و تعیین‌صلاحیت‌ها بازنگری شود. این در حالی است که پیش از اعلام احراز صلاحیت‌ها نوع نگاه جامعه به انتخابات و صندوق رای چندان مثبت نبود. به عقیده برخی امروز که این رویکردها نیز وضع شده است، شاید مشارکت حتی نسبت به انتخابات مجلس یازدهم نیز کمتر باشد. باید دید با این شرایط تحولات پیرامون انتخابات در روزها و هفته‌های پیش‌رو چگونه رقم خواهد خورد. برای بررسی اتفاقات اخیر پیرامون انتخابات، ردصلاحیت‌ها و مشارکت مردم «آرمان ملی» با سیدمصطفی هاشمی‌طبا، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ و فعال سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

اقدام اخیر در ردصلاحیت برخی چهره‌های شاخص مثل آقایان لاریجانی، جهانگیری یا پزشکیان و حواشی پیرامون این موضوع در انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من اینکه کسی ردصلاحیت شود چیز عجیبی نیست؛ منتها ما اصلا نمی‌دانیم روش برای این کار چیست. کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود باید چند خصوصیاتی داشته داشته باشد. نخست باید از نظر دینداری، تعهد دینی و اجتماعی و پاکدستی کیفیت خوبی داشته و بدون نقص باشد. دوم اینکه باید از سلامت روانی و جسمانی نیز برخوردار باشد. مثلا فرض کنید کسی که قلب مریضی داشته باشد یا کلیه و کبد او با مشکل مواجه باشد یا به نحو دیگری از لحاظ سلامتی در وضع مناسبی نباشد، نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود. از نظر روانی اگر فردی خودشیفته و پرخاشگر باشد نمی‌تواند به این جایگاه برسد. لذا باید این فرد از نظر سلامت روانی نیز از سوی شورای نگهبان و عواملش سنجیده شود. سوم اینکه باید برنامه داشته باشد و بگوید برنامه من در کار ریاست‌جمهوری این است. حال آقایان بگویند کدام یک برنامه ارائه داده‌اند و شورای نگهبان کدام برنامه را بررسی کرده است. من خودم دو دفعه توسط شورای نگهبان تایید شده‌ام اما کوچکترین ارتباطی با من نداشته‌اند و کوچکترین تماسی با من گرفته نشده و برنامه‌ای از من نخواسته‌اند. البته از حسن‌نیت آنها تشکر می‌کنم اما به نظرم اصلا شیوه برخورد کامل نیست. اعلام هم نمی‌کنند که چگونه صلاحیت را تشخیص می‌دهند و اگر کسی هم که رد شده بخواهد دلیل ردصلاحیت خود را بداند، اعلام نمی‌کنند. بنابراین نمی‌توان گفت این تاییدشدن‌ها درست است یا خیر. هر کسی می‌تواند به دلیل اینکه برنامه خوبی نداشته یا خدای‌ناکرده از سلامت روانی و جسمانی کافی برخوردار نبوده، رد شود. یا اینکه در سمت‌های گذشته چه راندمان کاری‌ای داشته است. اینکه فردی در دوره گذشته رفته و مذاکره کرده و احیانا تایید شده از چه جهت بوده است؟ مذاکره‌کننده نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود. اینها باید در اجرائیاتی که در کار دارند بگویند چه قابلیت اجرایی خوبی برای کشور دارند. بنابراین به نظر من شورای نگهبان باید یک بازنگری در شیوه کار خود داشته باشد و بعد هم شفاف آن را اعلام کند. اگر کسی نخواست دلیل ردصلاحیتش اعلام شود بحث دیگری است اما اگر خواستار اعلام دلیل ردصلاحیت خود بوده است، آن را اعلام کنند. البته ما چون نمی‌دانیم صلاحیت افراد به چه دلیل احراز نشده و دلایل آن، چه بوده نمی‌توانیم به شورای نگهبان اتهام بزنیم که در این مساله نگاه سیاسی داشته است. از طرفی به این موضوع هم نمی‌توان پرداخت که صلاحیت برخی افراد به چه دلیلی تایید شده است. بنابراین چون اطلاعات نداریم، نمی‌توانیم بگوییم رد یا تاییدصلاحیت‌ها جناحی بوده است.

با توجه به نارضایتی‌های موجود و ردصلاحیت‌ها، مشارکت مردم در انتخابات را چگونه می‌بینید؟

به نظر نمی‌رسد مشارکت بیش از آنچه باشد که در انتخابات سال ۹۸ مجلس صورت گرفته است. هر چند انتخابات شوراها هم برگزار می‌شود و چون در شهرهای کوچک مردم در مورد شوراها حساس هستند، استقبال از این انتخابات ممکن است نسبتا مناسب باشد؛ چراکه وقتی مردم برای انتخابات شوراها پای صندوق رای حاضر شوند برای انتخابات ریاست‌جمهوری نیز رای خواهند داد. ولی روی هم رفته در فضای ذهنی مردم احتمالا این مساله وجود دارد که این افرادی که تایید شده‌اند و در انتخابات حاضر هستند خیلی به لحاظ بینشی با هم تفاوت نمی‌کنند. بنابراین قرار نیست با یک انتخابات چالشی روبه‌رو باشیم.

بسیاری از کارشناسان معتقدند شخصی که برای ریاست‌جمهوری کاندیدا می‌شود باید سابقه حضور در امور اجرایی در سطوح مختلف را داشته باشد؛ در حالی که در چند نفر از کاندیداهای حاضر این مهم یافت نمی‌شود؛ این مساله را چطور تبیین می‌کنید؟

بنده نیز موافقم که برخی از این افراد از سابقه اجرایی برخوردار نیستند. یعنی سابقه‌ای که ما از آنها سرا